



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۲۰

هارون یوسفی

یکبار دیگر برای نو به روران رسیده ها



من ترکِ جاه و چوکی و موتر نمی کنم
یک پای من به دُبی و پای دگر به بُن
تا همنشین «مرکل» و «رابرت» و «جان» شدم
جز با شرابِ کهنه و ودکای «ابسولوت»
چرس و چلم که میزنم از اصل میزنم
دادِ خداست موتر «هوندا» و «بنز» من
از پولِ مفتِ زلزله و رانش زمین
من که همیشه «چکه پاو» و «قطعه» میزدم
حالا که فلم «پورن» به لبتاپ من پُر است
گر چه وکیلِ مجلسم و لیک در عمل
مردِ جهاد بودم و جایی رسیده ام

افسانه گذشته خود سر نمی کنم
دیری ست یادِ مجلس و دفتر نمی کنم
یادِ قدوس و غوث و جلندر نمی کنم
من حلق خود به چیز دگر تر نمی کنم
زین روست سرفه مثلِ سلنسر نمی کنم
دیریت من سفر به سر خر نمی کنم
حتا که پای دوست پلستر نمی کنم
حالا به غیر «تینس» و «پوکر» نمی کنم
دیگر هوای فلم جیتندر نمی کنم
کاری به جز تجارتِ پودر نمی کنم
لنگوته و پکول دگر سر نمی کنم

زاهد به طعنه گفت کجا شد جهاد تو؟

گفتم که سیر گشتم و دیگر نمی کنم

هارون یوسفی
لندن ۲۹ می ۲۰۱۴

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!